

روزنامہ ادب

خاطرات روزنوشت محمد حسن علی از تفحص پیکر شہدا

نویسنده: محمد حسن منافی



روایی درمل



خاطرات روزنوشت محمدحسن منافی از تفحص پیکر شهیدا

نویسنده: محمدحسن منافی

ویرایش: محمدحسن منافی / مریم انواری، محبوبه خاتون قنبری

طراح جلد: نقی بیگی

صفحه آرا: محمدحسن منافی

ویرایش تصاویر: محمدحسن منافی

حروفنگاران: محمدحسن منافی، طلمه فدوی

امور چاپ: امیر سربابی / لیتوگراف: ...

نوبت چاپ: اول / فروردین ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولیعصر (ع)

و خیابان فلسطین، خیابان برادران شهید مظفر (شمالی)

بن‌بست یکم، پلاک ۴ تلفن: ۶۶۹۶۴۰۶۹ - ۶۶۹۶۴۰۷۱

سرشناسه: منافی، محمدحسن، ۱۳۵۳.

عنوان و نام پدیدآور: روایی درمل / نویسنده محمدحسن منافی

مشخصات نشر: تهران: انتشارات ستوس - سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی، سپاه محمد رسول الله ﷺ تهران بزرگ، نشر بیست و

هفت، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۱۲ص: مصور (بخشی رنگی).

شابک: ۹۷۸۶۰۰۶۷۰۳۰۴۰۰۴: ۱۴۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: منافی، محمدحسن، ۱۳۵۳ -- خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات

شناسه افزوده: امینی، مهدی، ۱۳۴۲

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ / ۷۱۴ / م ۱۶۲ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۸۳۲۰۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۱۷۲۲۶

جهت آشنایی و اطلاع از سایر محصولات نشر ۲۷، عدد ۲۷ را به ۰۲۷۹۰۲۰۰۰ پیامک کنید

www.27besat.com

(۱) * مقدمه ۹

(۲) * ترنم آشنایی ۱۳

۱۷ (۳) دل بی قرار ۱۹ — فصل اول سال ۱۳۷۸

(۴) تقدیر حضور ۲۱

(۵) دوکوهه السلام ای خانه‌ی عشق... ۲۹

(۶) اولین حضور ۳۵

(۷) سوی دیار عاشقان...! ۳۷

(۸) شرایط سخت ۳۹

(۹) سنگر آسمانی ۴۱

(۱۰) فرمانده دل‌ها ۴۵

(۱۱) شب زنده‌داری! ۴۹

(۱۲) فیلم‌برداری‌های علی‌آقا ۵۱

(۱۳) دل در گرو یار ۵۳

(۱۴) علی‌آقا بلند گفت یا حسین (ع) ۵۵

(۱۵) شناسایی در اطراف کانال ۶۱

(۱۶) انفجار مین ۶۵

(۱۷) قمقمه‌ای که پرآب بود ۶۷

(۱۸) اگر روح مان را سبک کنیم... ۷۱

(۱۹) روضه‌ی حضرت زهرا (ع) ۷۵

(۲۰) پیشانی‌بند «یا مهدی (ع)» ۷۷

(۲۱) استخاره‌های آقامجید ۸۳

(۲۲) دلتنگ کوی شوق ۸۷

(۲۳) رسوایی خبری نبود ۸۹

(۲۴) شور و حال در هلقه... ۹۱

(۲۵) بی‌پر نزن بن ابدی هستم ۹۳

(۲۶) نگین ترنم علی‌الله ۹۷

(۲۷) بچه‌های گردنمیل حنظل ۱۰۱

(۲۸) آماده‌باش! ۱۱۱

(۲۹) باز هم انفجار مین ۱۱۳

(۳۰) بی‌ادعای بی‌ادعا، گمنام گمنام ۱۱۵

(۳۱) فرمانده نمونه ۱۱۹

(۳۲) در دسر خاکریز ۱۲۳

(۳۳) مراسم دعای عرفه ۱۲۵

(۳۴) السلام علیک یا علی‌بن‌موسی‌الرضا (ع) ۱۲۷

(۳۵) دو گل شقایق ۱۲۹

۱۳۳ — فصل دوم سال ۱۳۷۹

(۳۶) شهید در میدان مین ۱۳۵

(۳۷) حاج‌آقا زورو ۱۳۷

(۳۸) مین منفجرشده در کنار پای شهید ۱۴۱

(۳۹) خاطرات شیرین علی‌آقا ۱۴۳

فهرست

۴۰) مشهدی‌ها بیایند بیرون! • ۱۴۵

۴۱) انا مُرید، انا مُرید... • ۱۴۹

۴۲) فقط لفظ جلاله‌ی «الله» سالم بود • ۱۵۱

۴۳) زیارت آل یاسین • ۱۵۳

۴۴) انفجار مین‌های پدالی • ۱۵۵

۴۵) امام گفت: خسته نباشی! • ۱۵۷

۴۶) استخاره به قرآن • ۱۶۱

۴۷) رفتن از فکه به شلمچه • ۱۶۳

۴۸) پاهایش را بسته بودند • ۱۶۵

۴۹) «نیا نیا» این‌جا «میم میم» • ۱۶۷

۵۰) بنایم به این معصیت • ۱۷۱

۵۱) فرمانده «علی محمودوند» است • ۱۷۵

۵۲) فکه سرسبز بود • ۱۷۹

۵۳) شهید از حنظله • ۱۸۱

۵۴) وداع با ماه رمضان، عید غد فطر • ۱۸۷

۵۵) من در قطعه‌ی ۷۲ بهشت نمرالذکر دارم • ۱۹۵

۵۶) شهدا گفتند این‌جا دیگر جای ما نیست • ۱۹۷

۵۷) من هم جزو علویان هستم • ۲۰۱

۵۸) در خون خود به سجده رفتند • ۲۰۵

۵۹) استراحتی • ۲۰۹

۶۰) دلتنگی • ۲۱۰

۶۱) حاجی تا برگردی من دیگر نیستم • ۲۱۵

۶۲) مجید بازوکی فرمانده تفحص • ۲۲۱

۶۳) آتش به جان منطقه • ۲۲۵

۶۴) شناسایی محل شهادت تعدادی از شهدا در کانال (مقر ارتش) • ۲۲۹

۶۵) پیدا شدن چهارده شهید در کانال • ۲۳۱

۶۶) سفره‌ی حضرت ابوالفضل (ع) • ۲۳۵

۶۷) ساختن حسینیه‌ی حضرت زهرا (ع) • ۲۳۹

۶۸) شروع کار برون‌مرزی تفحص • ۲۴۳

۶۹) آقامجید یعنی ما سگ هستیم؟! • ۲۴۷

۷۰) دندان‌درد آقامجید • ۲۵۱

۷۱) سلام مرا به علی‌آقا برسان • ۲۵۵

۷۲) کم شد ز جمع خسته دلان یار دیگری • ۲۵۷

۷۳) توسل افسر عراقی به شهید • ۲۶۱

۷۴) معرفی حمید معجزاتی به عنوان فرمانده • ۲۶۳

۷۵) در باغ شهادت باز باز است... • ۲۶۵

۷۶) خدا حافظ شهدا • ۲۷۱

۷۷) علی‌آقا بروایت اقا مجید • ۲۷۵

۷۸) چند خاطره از سردار شهید علی محمودوند • ۲۸۱

فصل پنجم) تصاویر و دست‌نوشته‌ها • ۲۸۵

فهرست

* مقدمه

حضرت امام خامنه‌ای مد ظله العالی:

«این خیل عظیم کاروان شهادت و شهدا که وارد شهره می‌شود، عطر معنویت و فضیلت و شهادت در اعماق فضای آن شهر و منطقه نفوذ می‌کند. این هم خیلی اهمیت دارد. علاوه بر این‌ها شما یک کار نمادین می‌کنید، این که در کربلا الظاهر پنهان شده‌ی شهیدی را شماها از رویش غبارها و خاک‌ها را برطرف می‌کنید و آن را درمی‌آورید و سردست می‌گیرید، این یک معنای نمادین دارد. یک معنای رمزی دارد. این معنایش این است که علی‌رغم آن که کسانی می‌خواهند مسئله‌ی شهادت را، مسئله‌ی فداکاری را، زیر غبارها و خاک‌وخل‌ها پنهان کنند، شما نمی‌گذارید این کار انجام گیرد.»

در هر عصری و در هر مرز و بومی، از قهرمانان و دلاورمردان به خاطر رشادت‌ها و دلاوری‌هایشان تقدیر می‌شود و برای همیشه در اوراق تاریخ آن سرزمین جاودانه می‌مانند و در عصر ما...

در کشورهای روسیه، لهستان و ژاپن مزار تعدادی از سربازانی که در جنگ جهانی دوم به خاطر رشادت‌ها و مقاومت‌های میهن پرستانه‌شان جان باخته‌اند، زیارتگاه آن سرزمین گردیده و از ایشان به عنوان قهرمانان واقعی یاد می‌کنند.

در کشور آلمان، مصدومین و مجروحین جنگ جهانی دوم را که از تجاوزگران جنگ بودند، با احترام یاد می‌کنند، خاطرشان را ارج نهاده و شرایط رفاهی خاصی به آنان اختصاص داده‌اند.

در این سرزمین نیز مآثراتی هستند که فراتر از حس میهن پرستی بانگ‌رشی والا تر که همانا عشق به برگزیده‌ی حدار اولیاس پاک‌دامن او به ویژه حضرت سیدالشهدا (ع) بود، پای به عرصه‌ی دفاع از دست سربازان و آموس خود نهادند. برخی در مسلخ عشق شهید شیرین شهادت را نوشیدند. برخی چونان حضرت فاطمه زهرا (ع) در نهایت گمنامی جاودانه شدند و در سرزمین عشا، قدم‌های ائمه‌ی معصومین (ع) گشتند. اینک بر ماست که نگذاریم غبار وهم‌آلود زمانه در خفااتشان ننشسته و آثار و نشانه‌هایشان غریبانه در آن جا مدفون بماند. باشد تا صدای تعبیر زیبای رهبر فرزانه‌ی انقلاب‌مان باشیم که فرمودند:

«در مجموع آن چه ما از جنگ داریم، چه کسانی عزیزترین هستند؟ معلوم است: شهیدان، عده‌ای از این‌ها به خانه برگشتند و تجلیل و احترام شدند. عده‌ای هم در غربت شهید شدند و غریب هم ماندند. و حالا نوبت ماست که این‌ها را از غربت خارج کنیم.»

در یادداشت‌های سردار بزرگ تفحص، شهید مجید پازوکی، چنین آمده است:
 «ما تنها با آن‌هایی کار داریم که رهرو عشق‌اند.»

و این جست‌وجوی نور، مظهر عشق است و ریشه در صحرای کربلا دارد که در اربعین سال ۶۱ هجری قمری آن‌چنان، تجلی یافت. هنگامی که حضرت زینب علیها السلام در دشت نینوا به دنبال پیکرهای مطهر شهدا خاک را جست‌وجو می‌کرد، آری او آن تفحص شهدا در آن تاریخ رقم خورد.

بدین منظور تقریباً دو سال پس از پایان جنگ تحمیلی، گروه‌های تفحص جهت یافتن پیکرهای مطهر شهدا به مناطق عملیاتی اعزام شدند. بنده‌ی حقیر، نگارنده‌ی این سطور، نیز چندین بار در گروه تفحص لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله صلی الله علیه و آله فعالیت کرده‌ام. آن‌چه در پی‌ی آید خاطرات روزنوشت من از اتفاقات آن زمان است که در صورت کوتاهی یا نقص، قلم‌قام را از بیان اوصاف کار تفحص شهدا بوده است. بیان وقایع و عظمت کار تفحص با قلم‌فشان میسر نبوده و در این مقال نگنجد و به تعبیری «تو خود حدیث مفصل بخون از این مجمل...»

در انتها بر خود لازم می‌دانم از باب لَمْ يَشْكُرِ الْخَلْقُ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقُ از تک‌تک عزیزانی که در به چاپ رساندن این اثر، مرا یاری نمودند، و ویژه از برادر و دوست عزیزم آقای مهدی امینی که در تکمیل این کتاب بسیار مساعدت فراوانی کشیده‌اند، تشکر نمایم.

و من الله التوفيق

محمد حسن منافی

تهران - فروردین ۱۳۹۵